انتظار عامل مقاومت

حضرت آیت الله العظمی
حاج آقا لطف الله صافی گلپایگانی

سلسله مباحث مهدویت

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۰): انتظار عامل مقاومت

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۰): انتظار عامل مقاومت

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف اللّه، ۱۲۹۷ .

عنوان و نام پدیدآور : انتظار عامل مقاومت / لطف اللّه صافی گلپایگانی .

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۷۶ ص

فروست : سلسله مباحث امامت و مهدویت ۱۰.

شابک : ۳ ۳۰۴ ۹۷۳ ۹۶۴ ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر در سال های مختلف، توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

موضوع : مهدویت انتظار

رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ۹الف۲ص /BP۲۲۴/۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملّی : ۲۱۹۵۵۷۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۰)

انتظار

عامل مقاومت

حضرت آیت اللّه العظمی

آقای حاج شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

سلسله مباحث امامت و مهدویت

نام کتاب: انتظار عامل مقاومت

مؤلف: آیت اللّه العظمی لطف اللّه صافی گلپایگانی

صفحه آرا: امیرسعیدسعیدی

ناشر: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

چاپخانه و شمارگان: وفا / ۲۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اوّل / بهار ۱۳۹۰

قیمت: ۹۰۰ تومان

شابک: ۳ ۳۰۴ ۹۷۳ ۹۶۴ ۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ ۰۲۵۱

قم صندوق پستی: ۶۱۷

فهرست مطالب

مقدّمه

بسمه تعالی وله الحمد

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهادت امیرالمؤمنین و سیدالشهدا علیهماالسلام تا امروز، ریشه تمام حرکات و نهضت های شیعه و مسلمین، علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حقّ و باطل تا پیروزی مطلق بوده است.از متن کتاب

"انتظار" حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان، و شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیهم السلام ، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجّه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، و در وجود انسان شعله می کشد و انواع دگرگونی ها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان ایجاد می نماید که بحث و سخن از آنها نیازمند به حال و مجال بیشتری است.

این کتاب که در مقام بیان ارزش و اهمّیت انتظار مؤمنین برای ظهور مولا، حضرت ولیّ عصر امام زمان علیه الصلاه و السلام می باشد، در

بررسی اثرات انتظار، به تبیین تأثیرات اجتماعی آن پرداخته، این امر را از زوایای گوناگون روشن می سازد، و تعهدات و وظایف یک منتظر را در قبال مقدمات ظهور و جامعه جهانی و مسلمین آشکار می گرداند.

این کتاب که نخستین بار، سال ها پیش تر از این، در دوره ننگین طاغوت منتشر شده بود، هم اکنون برای بار دیگر با تغییراتی اندک به خدمت منتظران و علاقمندان به آستان قدس امام زمان، حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف تقدیم می گردد.

«اَلْحَمْدُ للّه ِ الَّذِی یُؤْمِنُ الْخائِفِینَ وَیُنَجِّی الصّالِحِینَ، وَیَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِینَ وَیَضَعُ الْمُسْتَکْبِرِینَ، وَیُهْلِکُ مُلُوکا وَیَسْتَخْلِفُ آخَرِینَ»؛(۱)

«سپاس خدا را که بیمناکان را ایمنی، و شایستگان را رهایی می بخشد و مستضعفین را بلند می گرداند، و مستکبرین را فرو می کشاند و پادشاهانی را هلاک می کند، و دیگران را به جای آنها می نشاند».

«هُوَ الَّذِیآ أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»؛(۲)

«او (خدا) است آنکه پیامبر خود را با دین حقّ به هدایت خلق فرستاد تا دین حقّ را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند، اگرچه مشرکان کراهت داشته باشند».

۱- از دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام .

۲- سوره توبه، آیه ۳۳.

«وَلَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْاءَرْضَ يَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»؛(۱)

«به تحقیق در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند».

«ثَلاثٌ مِنْكُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلاوَةُ الإِيمانِ:

أَنْ يَكُونَ اللّه ُوَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمّا سِواهُما،

وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءُ، لا يُحِبُّهُ إِلَّا للّه ِ،

وَأَنْ يُكْرِهَ أَنْ يَعُودَ فِی الْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْقَذَهُ اللّه ُمِنْهُ كَما يُكْرِهُ أَنْ يُلْقی فِی النّارِ»؛(۲)

«سه صفت است که در هر کس باشد، شیرینی ایمان را چشیده است:

۱ خدا و پیامبر خدا نزد او، از هر چیز و هرکس محبوب تر باشند.

۲ هر کس را دوست دارد، برای خدا دوست داشته باشد.

۳ بعد از نعمت اسلام، از بازگشت به کفر (ارتداد و ارتجاع) کراهت داشته باشد، چنانچه افکنده شدن در آتش را کراهت دارد».

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲- حدیث نبوی، الجامع الصغیر، ص ۱۳۵، حرف الثاء.

پیشگفتار

درک صحیح، شناخت درست، توجیه و تعبیر معقول، تفسیر دقیق و واقعی الفاظ و واژه ها و اصطلاحات اسلامی، بر هر مسلمان و هر کس که بخواهد به روح تعالیم اسلام، حقیقت مکتب، برنامه های تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، مدنی، معنوی و مادی آن آشنا شود، لازم است. چنانچه فهم جوانب ایجابی و سلبی و مثبت و منفی دین، ارتباط آن با عمل و ترقی و کمال، بهبود زندگی، عدالت اجتماعی، بهتر زیستن و ظهور ارزش های انسانی، همه و همه منوط به دریافت درست این اصطلاحات است.

اگر مفاهیم واقعی واژه های اسلامی و معانی آنها درک شود، اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت دین و مقاصد آن برای جمعی پیش آمده، مرتفع گشته و هدف های واقعی و مقاصد حقیقی دین معلوم می گردد. و اگر الفاظ و اصطلاحات دینی به طور صحیح درک نشود و با مفاهیم نادرست عرضه شود و نادانان یا مغرضان، آن را به صورت دیگر جلوه دهند، زیان آن از گمراهی صریح کمتر نخواهد بود؛ زیرا موجب سوء ظن و بدگمانی و برداشت های غلط و ناروا از دین می گردد؛ تا آنجا

که مترقی ترین و کامل ترین مکتب را عامل انحطاط، زبونی، بی عدالتی و نابرابری می پندارند؛ و حقیقتی را که عامل ایجابی و عملی و نشاط بخش و انقلابی است، عامل سلبی و منفی و رکود و سکون و وقوف و کناره گیری می شمارند.

از این نظر، معرفی مفاهیم واقعی هدف ها و تعلیمات و ارشادات دینی در هر رشته، و ارتباط آن با عمل و اخلاق و تحرک و فعالیت و کوشش و مبارزه و مقاومت و جهش و پیشرفت، کمال اهمّیت را دارا است؛ به خصوص در زمان ما که بیگانگان می خواهند با تلقینات و تبلیغات سوء و غرض آلود، جامعه و به ویژه نسل جوان را گمراه و از آگاهی های کافی پیرامون اصطلاحات و شعائر دین محروم نمایند، در معرفی مفاهیم یاد شده، توجّه و دقت بیشتر لازم است.

این مفاهیم که انحراف از درک حقایق آنها مساوی با گمراهی در اصل دین، و یا رشته های اساسی و مهم آن است و باید نسل جوان که جویای حقیقت و طالب کمال و ترقی و آگاهی است، در فهم آن یاری شود، بسیار است، مانند:

زهد، قناعت، توکّل، تسلیم، قضا و قدر، علم غیب، شفاعت، ولایت، خلافت، امامت، وصایت، تقیه، دعا، زیارت، نظام مستمر حکومتی اسلام در عصر حضور امام و عصر غیبت، فلسفه غیبت امام، روش تشیّع و شیعه بودن، مرجعیت و ... و از جمله: انتظار ظهور یا انتظار فرج و قیام حضرت مهدی اهل بیت و قائم آل محمّد علیهم السلام است.

اگرچه اصالت مفهوم این انتظار، هنوز کم و بیش و به حسب مراتب معارف و آگاهی های افراد، در اذهان محفوظ مانده است؛ ولی به گمان بسیاری، تلقی و برداشت اکثر جامعه از آن چنان که باید سازنده و مثبت نیست و جوانب سلبی و منفی آن نیز که از تعلیمات اساسی و مترقّی اسلام و مبارزات سلبی رهبران دین سرچشمه می گیرد، نادرست و غیر از آنچه باید باشد، عرضه شده است و در جهت جنبش و تحرّک، قدم به پیش نهادن، مجاهده، امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم و پایداری، حبّ فی اللّه (محبّت به خاطر خدا)، بغض فی اللّه (دشمنی به خاطر خدا) و قطع رابطه با اعداء اللّه از آن بهره برداری نشده؛ بلکه آن را عامل سکون و سکوت، سازش کاری، وقوف، تسلیم، مدارا کردن با ستمگران، رضایت دادن به وضع موجود و فراموش نمودن اهداف عالی اسلام معرفی کرده بودند.

جشن و چراغانی نیمه شعبان و خواندن دعای ندبه را وسیله خاموش کردن آتش اعتراض، و ایجاد آرامش موقّت و مسکّن نگرانی ها و نارضایتی های جامعه از بی عدالتی ها و فشارها و نابرابری ها و مفاسد دیگر می پنداشتند، که شور و هیجانی را که باید بر قوّت و حدّتش افزود تا همه تباهی ها و نابسامانی ها و بشرپرستی ها و استعبادها و استضعاف های گوناگون را بر باد دهد، فرو می نشاند و بر آتش روحانی و مقدسی که اسلام برای سوختن کاخ های ستم و استضعاف برافروخته و باید همیشه روشن و روشن تر شود، آب می ریزد.

لذا برای رفع هرگونه سوء تفاهم و درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع؛ بلکه انقلابات اجتماعی و سیاسی و تقویت اراده و تربیت افراد مبارز و سرسخت و شکست ناپذیر، و شناخت فلسفه مراسم جشن و چراغانی و خواندن دعای ندبه و توسلات و توجّهات، و عرض ادب ها به ساحت مقدّس و باعظمت حضرت بقیه اللّه فی الارضین ارواحنا له الفداء بخشی از کتابی را که در دست تألیف دارم، به کسانی که می خواهند از مفهوم صحیح انتظار، ظهور و ارزش حقیقی آن آگاه گردند، تقدیم می نمایم.

پیام منتظر

پیام منتظر(۱)

بیا صبا ببر از این گدا یکی پیغام بسوی پادشه مُلک جان، امام انام

که ای طفیل وجود تو آنچه در گیتی است که ای یگانه دوران و مفخر ایام

کنون که صفحه گیتی است پر ز جور و ستم ز عدل و داد به عالم نمانده غیر از نام

فساد کرده جهان را چو شام هجران تار صلاح رفته چو روی تو در عالم حجاب غَمام(۲) چه شام ها که به امید وصل گشت سحر چه صبح ها که نمودیم در فراقت شام

تو آفتاب وجودی، روا مدار دگر به زیر سایه غیبت کند رخ تو مقام

۱- اشعار از قصیده «پیام منتظر» از دیوان عالم فقیه، مرحوم آیت اللّه آقای آخوند ملا محمّد جواد صافی قدس سره والد مؤلف کتاب است.

۲- غمام: ابر تیره.

نهیم در ره تو چند دیده امید در انتظار تو تا کی به سر بریم ایام؟

خوش است گر بنمایی به عشاقان رویی که جلوه ایش کند زنده دل خواص و عوام

به کعبه تکیه نمایی و مخلصان بینی پی طواف درت بسته سر به سر احرام

درآ ز پرده که از دین نماند رسم و اثر به جان دشمن دون، زن شرر ز برق حسام(۱)

بیا که از تو شود پر ز عدل و داد جهان بیا که از تو شود، فتنه جهان آرام

بیا که از تو شود نسخ، رسم استبداد جهان درآید در زیر پرچم اسلام

بیا که منتظران را به لب رسید نفس بیا که طاقت ما طاق گشت و صبر تمام

بیا و قطع نما ریشه های استضعاف برای یاری دین خدا، نما اقدام

به یک نظر ز تو من قانعم شها، لطفی خجسته آن که به دیدار خود کنی اش اکرام

۱- حسام: شمشیر.

جنود جهل نموده است روح من تسخیر هوای نفس ز عقلم ربوده است زمام

کنم چه چاره به محشر ولات حین مناص(۱) کجا پناه برم من، و لیس لی معصام(۲)

مگر ولای تو زین مستمند گیرد دست به این وسیله ز یزدان نمایم استرحام(۳)

اگر به "صافی" مسکین نظر کنی شاید که از ولایت تو یافت دینش استحکام

۱- «و نیست آن زمان، زمان قرار و پناهندگی».

۲- «و نیست برای من پناهگاه».

۳- استرحام: طلب رحمت و دلسوزی.

مناجات و نیایش

«اَللّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِینَکَ وَسُنَّهَ نَبِیِّکَ، حَتّی لا یَسْتَخْفِیَ بِشَیْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَهَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ»؛(۱)

«خدایا به سبب ظهور مهدی منتظر علیه السلام دین خود و سنّت پیغمبر را آشکار کن، آن چنان که از بیم احدی از خلق، چیزی از حقّ پنهان نگردد، و حق گویی و حق پرستی در همه جا و برای همه کس آزاد باشد».

«اَللّهُمَّ إِنّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنا فِیها مِنَ الدُّعاهِ إِلی طاعَتِکَ وَالْقادَهِ إِلی سَبِیلِکَ، وَتَرْزُقُنا بِها کَرامَهَ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ»؛(۲)

«خدایا! ما از تو دولت با کرامتی می خواهیم که به آن، اسلام و اهل اسلام را عزیز گردانی، و نفاق و اهل نفاق را خوار سازی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت

۱- دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام .

۲- دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام .

و رهبران به سوی راهت قرار دهی، و کرامت دنیا و آخرت روزی فرمایی».

خدایا! تو را سپاس می گوییم و هر کار و هر سختی را فقط با نام تو آغاز می کنیم و جز تو را نیایش و پرستش نمی نماییم و از غیر تو یاری نمی خواهیم.

چقدر از حقیقت و آزادی دور افتاده اند آنان که سخنان و کارهایشان را به نام سرکشان و ستمگران می گشایند و به شرک و بت پرستی می گرایند، و در برابر نابکاران و استضعاف گران به تملّق و چاپلوسی و مدح و نیایش می ایستند و شرافت انسانیت خود را به طمع مال و مقام نابود می کنند.

خدایا! به بندگان برگزیده و نیک و فروتنت که وجودشان از استکبار و استثمار و استبداد و استضعاف دیگران منزّه است، و به نمونه های رحمت و مهر و برابری و برادری و انسان دوستی و خیرخواهی؛ به پیامبرانی که برای راهنمایی بشر و آزادی انسان ها از ذلّت و اسارت فرستاده ای، خصوصا گرامی ترین و عزیزترین بنده ات، سرحلقه اصفیا، خاتم انبیا محمّد مصطفی و خاندان پاک و پاکیزه اش درود می فرستیم.

و به آن شخصیت عظیمی که به فرمان تو کاخ های ستمگران را ویران، و بیدادگری و فساد و استبداد را ریشه کن می سازد و جهان را در پناه حکومت اسلام و نظامات قرآن، از شرّ کفر و شرک و رژیم های

فاسد و نظامات استعبادی و غیر انسانی نجات می دهد، حضرت ولی عصر و امان دهر، صاحب الامر حجه بن الحسن العسکری ارواح العالمین له الفداء صلوات و سلام عرض می کنیم.

خداوندا! این آیه از کتاب بزرگ تو است:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ»؛(۱)

«و چنین می خواهیم که بر آنان که در زمین به استضعاف گرفته شده اند، منّت گذاشته و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».

بارالها! تو وعده داده ای به آنان که در این زمین استضعاف می شوند و حقوق و آزادی و موجودیت شان مورد تعرض و دستبرد واقع می شود، منّت گذاری و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهی.

تو خواسته ای که ضعیفان، و آنان که از حقوق خود محروم شده اند، با ظهور مهدی عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ناگهان به پا خیزند و انقلاب کنند و با بزرگ ترین نهضت آزادی بخش، طاغیان و یاغیان و جباران را از صفحه زمین براندازند و به حیات زورمندان ستم کیش و قوی پنجگان ددمنش پایان دهند، و قصرهایشان را بر سرشان ویران، و جهان را از آلودگی عناصر کثیف ناپاک، پاک سازند.

۱- سوره قصص، آیه ۵.

آفریدگارا! تو وعده داده ای که مؤمنان و بندگان صالح و شایسته ات را به رهبری مهدی آل محمّد صلوات اللّه علیهم اجمعین در زمین خلافت دهی تا نهضت جهانی اسلام را علیه بیدادگران و کسانی که حقوق ضعفا را پامال، و بر آنها به زور حکومت می کنند.

و علیه سرمایه دارانی که اموال ملّت ها را به یغما برده و رباخوارانی که با سرمایه گذاری در بانک ها، خون نیازمندان بی نوا را مکیده و به تهیدستان و افتادگان رحم نمی نمایند.

و علیه دانشمندانی که علم خود را وسیله کسب مال و جاه، و تقرب به فرمانروایان، و توجیه تجاوزات آنها قرار داده، و در برابر منکرات و ستمگری ها و فحشا و هتک نوامیس و تجاوز به احکام تو، قفل خاموشی بر دهن زده اند.

و علیه آنان که با حکومت و احکام تو مخالفت می کنند.

و علیه اجتماعات فاسدی که زن و مردش در منجلاب فساد و فحشا، نابکاری، بی عفتی و بی حجابی و خودفروشی غوطه ور شده اند، آن چنان انقلابی بی امان و دگرگون کننده و وسیع و همه جانبه برپا کنند که به تمام بدبختی ها، نابسامانی ها، نابرابری ها، بوالهوسی ها و تبعیضات خاتمه دهند، و رعب و وحشت و ترس و بیم بشر را از شکنجه و آزارهای روحی و جسمی، به امن و آرامش تبدیل سازند.

خدایا! این سخن محکم و مؤکّد تو است:

«وَعَدَ اللّه ُالَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الاْءَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِى ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنا يَعْبُدُونَنِى لا يُشْرِكُونَ بِى شَيْئا»؛(۱)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده داده است که حتما ایشان را در زمین جانشین و خلیفه قرار دهد همان گونه که پیشینیان را خلافت بخشید و دینشان را که برایشان انتخاب کرده و پسندیده است، پابرجا و برقرار سازد و آن چنان ترس و ناامنیِ آنان را به آرامش و امنیت تبدیل کند که فقط مرا پرستیده و هیچ چیز را شریک من قرار ندهند».

الها! پایان امور از برای تو و بازگشت همه به سوی تو و سرانجام نیک برای بندگان و پرستندگان تو است، آنان که زمامداری و حکومتشان بر اساس پرستش تو و نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دین تو است. آنان که در قرآن مجید در توصیفشان فرموده ای:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنّاهُمْ فِى الاْءَرْضِ أَقامُوا الصَّلاهَ وَآتُوا الزَّكاهَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلّه ِ عاقِبَهُ الاْءُمُورِ»؛(۲)

«آنان که اگر در زمین مستقرشان سازیم، نماز به پا می دارند، زکات می دهند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان امور از برای خدا است».

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره حج، آیه ۴۱.

خدایا! تو اراده کرده ای که فرعونیان و هامانیان جهان را به کیفر برسانی و روز سیاهی را که از آن بیم دارند، به آنها بنمایانی. تویی که فرموده ای:

«وَنُرِیَ فِرْعَوْنَ وَهامانَ وَجُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ»؛(۱)

«و نشان دهیم به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را بیم داشتند».

خدایا! تو می دانی که در جهان، کسانی که تو را می پرستند و به عدالت، انسانیت، شرف، فضیلت و حقیقت ایمان دارند، مستضعف شده، و مستکبرین شرق و غرب و آنها که از تو بیگانه اند و اندیشه های شیطانی و آرمان های حیوانی دارند، قوی پنجه و سرکش گشته اند.

پروردگارا! تو آگاهی که ضعیف شمرده شدگان، از دست استضعاف گران و ستمگران چه می کشند. و تو می دانی که زورمندان برای زیردستان، هر روز و شب چه نقشه های جنایت کارانه طرح می کنند. و تو دانایی که اگر از عدل، صلح، آزادی، مساوات، انقلاب، همکاری، همزیستی، دموکراسی، سوسیالیزم، رفاه و هر لفظ و اصطلاح دیگر دم می زنند، دروغ می گویند و این الفاظ را بهانه ای برای رسیدن به مقاصد خائنانه و تسلط بر بندگان تو و غارت کردن ثروت و ذخایر مالی و معادن آنها کرده اند.

۱- سوره قصص، آیه ۶.

تو می دانی که زورمندان بزرگ، همان ها که پرونده های خیانت و آلودگی ها و شهوت رانی هاشان، کثیف ترین و رسواترین پرونده ها است، چگونه می خواهند دنیا را یک لقمه کنند و خود و گروهشان، آن را یک جا ببلعند. و تو می دانی که سرمایه داران بزرگ دنیا که بیشتر یهودی و یهودی منش هستند و دارایی های بی حساب را از غصب اموال کارگران مظلوم و توده های محروم اندوخته کرده اند و بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم و اخلاق بشر مسلط شده اند همه را در مسیر ارضای شهوات و اندوختن سرمایه استخدام کرده اند و چه جنایت ها و قتل عام ها می کنند و چه جنگ هایی را برپا کرده و چه خون هایی را می ریزند. صدها هزار انسان بی گناه را در فلسطین از خانه و کاشانه خود آواره کرده و در بیابان ها و صحراها سرگردان ساخته و هر روز هم به بهانه ای به آنها حمله ور می شوند، و زن و بچه و کوچک و بزرگشان را می کشند.

بارالها! تو می دانی که تبعیضات نژادی چگونه به زور اقویا و زمامداران ملل متمدن نما، هنوز هم که هنوز است، قیافه زشت خود را نشان می دهد.

تو دانایی که بانوان به اسم آزادی و مساوات، غیر متساوی در اسارت افتاده و وسیله اطفای شهوت مردان شده، و امنیت و آسایش ندارند، و از حقیقت مقدّس و رمز متعالی رابطه ازدواج و محیط انس و اطمینان و پر مهر و لطف خانواده محروم شده اند، و روز به روز این

تمدن منحوس یا توحش قرن اتم، آنها را به سوی سیاه چال های سقوط پرت می کند.

تو آگاهی که در فرهنگ و تمدن غرب و شرق، غیرت، همت، فداکاری، عفّت و نجات، حجاب، حیا و آزرم، چسان مفهومش مسخره و مبتذل و بی ارزش شده است که از آن چیزی جز لفظ باقی نمانده است.

خدایا! اگر ما به پا نخیزیم و بنشینیم و این همه صحنه های گمراهی و تباهی را در جهان ببینیم و تکان نخوریم، در پیشگاه تو به شدّت مسؤول و مقصّریم.

همه سنّت هایی که تو برقرار کرده ای، یار مظلومان و محرومانی هستند که برای برپا داشتن حقّ و مبارزه با جهل و ظلم و باطل قیام می کنند و جنود و امدادهای تو، همه پشتیبان حقّ پرستان و عدالت خواهان می باشند و برای نابودی ظلم و باطل، و ایجاد و گسترش حکومت حقّ و عدل، در کنار اهل حقّ و مجاهدان واقعی قرار دارند.

تو از مطبوعات دنیا، سینماها، مراکز فساد و فحشای سیاست ها، بازرگانی ها، فرهنگ ها و تعلیم و تربیت ها، و از همه اوضاع آگاهی و می بینی که همه این نمونه ها، مظاهر انحطاط فکر بشر و گرایش او به سوی حیوانیت شده است.

جهان به دو جبهه تقسیم شده است: جبهه زورمندان و استضعاف گران و جبهه اکثریت استضعاف شده.

خدایا! ما نمی دانیم وقت ظهور فرا رسیده یا نه؟! امّا این قدر می دانیم که مستضعفیم، و اگر آن انقلاب تمام عیار مهدی آل محمّد عجّل اللّه تعالی فرجه وقتش نرسیده باشد، تو باید به ما همت و نهضت و شوق دهی تا به پا خیزیم و مشعل علم و هدایت اسلام را به دست گرفته و با همراهی و همکاری صدها میلیون مستضعف خداپرست، با صفوف فشرده و متّحد، دین تو را یاری کنیم و احکام تو را حاکم سازیم و قرآن را منبع الهام و حرکت خود قرار دهیم و به سوی آینده ای درخشان و اسلامی که نشانه آینده تابناک عصر حکومت مهدی علیه السلام باشد، پیش رفته و روز بیدادگر و دشمن دین تو را سیاه سازیم.

خداوندا! یأس و ناامیدی از رحمت تو در هیچ حال جایز نیست، و تو خود فرموده ای:

«إِن تَنصُرُوا اللّه ‑ یَنصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ»؛(۱)

«اگر خدا را یاری کنید، او هم شما را یاری می نماید و گام هایتان را استوار می دارد».

و «وَالَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا وَإِنَّ اللّه ‑ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ»؛(۲)

«و آنان که در راه ما جهاد کنند؛ البته آنان را به راه هایمان هدایت می کنیم، و خداوند هرآینه با نیکوکاران است».

۱- سوره محمّد، آیه ۷.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

و با وعده های صریح تو هیچ کس را در ترک یاری حقّ و یاری دین تو عذری نیست. و انتظاری که دستاویز تبلیغات دشمنان اسلام علیه مسلمین شده است، از اسلام نبوده؛ بلکه عین رضایت به وضع موجود و امضای نابسامانی ها و عقب ماندگی ها، و مخالفت با تحول و تکامل انقلاب اسلام است، که این انتظار، آن انتظاری که در قرآن و احادیث و روایات دستور داده شده، نیست.

ما را از انتظار بی هدف و بی معنی دور ساز و به آن انتظار حقیقی که عامل جنبش و حرکت و مبارزه و مقاومت است، هدایت و آشنا کن.

بارالها! ما را به مسؤولیت های خطیری که در برابر تو، نسبت به دین تو و کتاب و احکام تو داریم، راهنمایی فرما؛ و به ما توفیق کامل عطا کن تا وظایف خود را در راه یاری هدف های عالی اسلام و اجرای احکام آن و امر به معروف و نهی از منکر، نصب العین و برنامه خود قرار دهیم.

«رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْرا وَثَبِّتْ أَقْدامَنا وَانصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ»؛(۱)

«پروردگارا! بر ما صبر و پایداری ببخش، گام هایمان را استوار بدار، و ما را بر قوم کافران یاری عنایت فرما».

۱- سوره بقره، آیه ۲۵۰.

به سوی هدف های اسلامی

اشاره

«إِنْ هُوَ إِلّا ذِکْرٌ لِلْعالَمِینَ * وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِینٍ»؛(۱)

«قرآن، کتابی برای جهان و جهانیان است * برای دانستن خبرها و اثرهای شگفت انگیزتر و بزرگ تر آن، منتظر آینده باشید.».

به سوی هدف های اسلام

اسلام دینی است که چهارده قرن پیش به وسیله پیامبر بزرگ خدا، حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله ، جهانیان به آن دعوت شدند، و شکوهمندترین و نجات بخش ترین نهضت های تاریخی و جنبش های مذهبی و انقلابات حقیقی را به وجود آورد.

هدف اسلام، آزاد کردن انسان ها، خاتمه دادن به شرک و بت پرستی و فساد و گناه، برچیدن بساط ظلم و استثمار، آزاد نمودن و پاک سازی مغزها از خرافات و عقاید موهوم، برداشتن امتیازات پوچ و مادّی، مبارزه با جهل و نادانی، تقسیم عدالت و امنیّت، بهره برداری عموم از نعمت های الهی، برقراری احکام خدا، استقرار نظم، حفظ حقوق،

۱- سوره ص، آیه ۸۷ و ۸۸.

فراهم کردن امکانات ترقی، تکامل علمی، روحی، فکری، جسمی، مادّی و اقتصادی برای همه، و خلاصه: دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه و عدل و رحمت و احسان و علم و ایمان و نور و روشنایی است.

«کِتابٌ أَنزَلْناهُ إِلَیْکَ لِتُخْرِجَ النّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ»؛(۱)

«کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی ها به سوی نور خارج کنی».

«وَما أَرْسَلْناکَ إِلاّ رَحْمَهً لِلْعالَمِینَ»؛(۲)

«و نفرستادیم تو را مگر رحمتی برای جهانیان».

پیروزی اسلام بر همه ادیان

خدا وعده داده است که اسلام را بر همه ادیان پیروز سازد و این وعده ای است که قوانین خلقت و سنن آفرینش با آن موافق است و وعده نصرت و غلبه همه جانبه ای است که به انبیا داده است، چنان که در سوره صافات، آیات ۱۷۱ ۱۷۳ می فرماید:

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنا لِعِبادِنا الْمُرْسَلِینَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ * وَإِنَّ جُنْدَنا لَهُمُ الْغالِبُونَ»؛

«و به تحقیق سخن ما برای بندگان ما که پیامبرند * پیشی گرفته

۱- سوره ابراهیم، آیه ۱.

۲- سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

که همانا ایشان یاری شدگانند * و همانا سپاه ما بر آنها (دشمن) پیروزند».

و در سوره غافر، آیه ۵۱ می فرماید:

«إِنّا لَنَنصُرُ رُسُلَنا وَالَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَیَوْمَ یَقُومُ الْاءَشْهادُ»؛

«همانـا مـا یـاری می دهیم پیامبرانمـان و کسـانی را که ایمان آوردنـد، در زنـدگی دنیا و روزی که شاهـدان (معصومین علیهم السلام) به پا خیزند».

اسـلام با چنین هدف ها و برنامه های سازنده ای که این هدف ها را تأمین کند، شـروع به کار کرد و جلو آمد، و عالی ترین و پـاک ترین روش رهبری را به مردم ارائه داد و هـدف هـای خود را به عقایـد، احکـام، اخلاـق، اقتصـاد، اجتماع، دین و دنیا به مردم عرضه داشت.

مردم شـیفته و فریفته نهضت اسـلام و برنامه ها و پیشـنهادهای آن شدنـد، از آن اسـتقبال کردند و آن را ملاک و معیار آزادی شناختند، و پس از آن همه ذلّت هایی که در برابر حکّام و سـلاطین خودکامه داشـتند، عزّتی را که اسلام به آنها عطا کرد، آن را بزرگ ترین غنیمت شمردند.

فرزندان کارگران و دهقانان و چوپانان، که خود را با فرزندان پادشاهان و امیران برابر دیدند، لغو تقسیمات و درجه بندی های طبقاتی را که طبقه پایین تر و فرزنـدانشان را از ترقی و ورود در حریم منطقه طبقه به اصـطلاح بالاتر ممنوع می کرد، از جان و دل پذیرفتند و جنگ با اسلام و سپاه مسلمان را جنگ با سعادت و آزادی خود دانستند.

اسلام به زودی جای خود را در دل ها باز کرد و دعوتش در عمق وجدان و شعور همه با شور و شعف بسیار استقبال شد.

هیچ کشوری را مسلمانان فتح نمی کردند مگر بعد از آن که بانگ جان بخش توحید و آزادی و برابری اسلام، قلوب مردم آن را فتح کرده بود.

این نهضت مقدّس با این برنامه های عالی و مایه های پُر ارج انسانی، باید جهان را فتح کرده و به همه اهدافش رسیده باشد.

چرا چنین نشد؟ و چرا اسلام در نیمه راه ماند و متوقف گشت؟

و دستگاه رهبری آن، به زودی به دست افرادی جاهل و استثمارگر و عیاش و هرزه افتاد که مسیر واقعی اسلام و جهان اسلام را تغییر دادند، و همان مظاهر و اوضاع و رژیم هایی را که اسلام با آن مبارزه کرده بود، به اسم اسلام، به اسم خلافت اسلام، به اسم جهاد اسلام، به اسم عدالت اسلام، به اسم قانون اسلام و به اسم اتّحاد اسلام، دوباره زنده کردند.

اسلام آمد تا بشریت را از بشرپرستی نجات دهد، تا کاخ هایی را که اکاسره و قیاصره (کسری و قیصرها) از غصب حقوق و اموال و ظلم بر زیردستان بنا نهاده بودند، ویران سازد؛ و فاصله ای را که میان زمامداران و افراد عادی بود، از میان بردارد و انسان های ناآگاه خفته و ناآشنا به حقوق خود را بیدار و آگاه نماید و از مداین و رُم و پایتخت های ستمگران زمان، مدینه بی تجمّل و بی دستگاه، بی کاخ و قصر، و نزدیک به همه و با همه بسازد.

اسلام بود که رهبر دوّمش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود:

«أَلا وَإِنَّ إِمامَکُمْ قَدْ اِکْتَفی مِنْ دُنْیاهُ بِطِمْرَیْهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصَیْهِ»؛(۱)

«هان! که امام شما از دنیایش به دو کهنه جامه، و از خوراکش به دو قرص نان اکتفا نموده است».

و هم او می فرمود:

«وَاللّه ِ لَوْ أُعْطِیتُ الْأَقالِیمَ السَّبْعَهَ بِما تَحْتَ أَفْلاکِها عَلی أَنْ أَعْصِیَ اللّه َ فِی نَمْلَهٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِیرَهٍ، ما فَعَلْتُهُ»؛(۲)

«به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با هر چه در زیر آسمان های آنها است، به من دهند که خدا را نافرمانی کنم، در گرفتن برگ جوی از مورچه ای، چنین نخواهم کرد».

و هم از او روایت است که: هر کس بخواهد نظر کند به شخصی از اهل جهنم، نظر کند به شخصی که نشسته است و در اطراف او دیگران به عنوان احترام ایستاده اند.

ولی غاصبان مقام رهبری اسلام به جاهلیت پیشین گراییده و همان اساس گذشته را که اسلام با آن مبارزه دارد، داغ تر و ظالمانه تر تجدید کرده، همان عیاش ها، همان هرزگی ها، و همان کاخ ها و قصور را از نو

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۹۶۶.

۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۱۵، ص ۷۱۴.

بنیاد کردند. مدینه پیغمبر و کوفه علی را کنار گذاردند و بغداد، دمشق، غرناطه، قرطبه، اسلامبول، قاهره، آکره و نقاط دیگر را که در استعباد بشر و صرف میلیون ها دست رنج مردمان ضعیف و عقب مانده، کمتر از مداین و رم نبود، به دنیا نشان دادند. و در واقع، روش و رژیم ضعیف ضد اسلامی آنها، که به اسم اسلام روی کار می آمدند، اسلام را از فتح قلوب و از رسیدن به هدف هایش مانع شد.

هر کس تاریخ و سرگذشت دستگاه های جبّار بنی امیه، بنی عباس، امویین اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی را که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و حاکم مسلمان، در هند، ماوراء النهر و ایران، مصر، شام و نقاط دیگر آسیا و آفریقا و اروپا مسلط شدند، بخواند، می فهمد چه وضع بسیار ناامید کننده ای جلو آمد که هدف های واقعی و اصولی اسلام بیشتر از رسمیت افتاد و اصلاً مطرح نبود.

انتظار، عامل پایداری در برابر رهبری های فاسد

یگانه یا مهم ترین چیزی که مسلمانان را در برابر این وضع نگاه داشت و آنها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه های اسلامی شجاع و دلیر می کرد، و عده های قرآن و پیغمبر صلی الله علیه و آله بود که: این دین از بین نمی رود و آینده برای اسلام است، اسلام عالم گیر و پرچم حکومت توحید و حق و عدل در سراسر جهان به اهتزاز خواهد آمد.

این وعده ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی امیه، جنگ های صلیبی، هجوم چنگیز و بالاخره استعمار قرن اخیر، پایدار و شکیبا نگه داشت و سرانجام مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت.

این وعده ها که واقعیت آن را حقایق مسلّم دینی و تاریخی صد در صد ثابت کرده است و دلایل قطعی آن را در کتاب "نوید امن و امان" نگاشته ایم، همواره به مسلمانان نوید می داد که دور اسلام و روزگار آن به پایان نمی رسد و حکومت هایی مانند بنی امیه و بنی عباس، مظهر کمال و پیشرفت و نمایش رژیم سیاسی و روش رهبری حقّ و عدالت اسلام نیستند و باید در انتظار آینده بود و عقب نشینی نکرد، از مرزها و سنگرها حمایت و حفاظت کرد، تا آن عصر طلایی و دوران حکومت مطلقه حقّ و عدالت فرا رسد، و موعود آخرالزمان که از دودمان پیغمبر

اسلام و فرزندان علی و فاطمه و نهمین فرزند سیّد الشهدا حسین علیه السلام و یگانه فرزند بی مانند حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام است، ظاهر شود و تمام برنامه های اسلام اجرا گردد. دنیا از این همه اضطرابات روزافزون، ناامنی ها، افکار متضاد و رژیم های رنگارنگ ظالمانه نجات یافته و در مهد امن و امان و اطمینان و اعتماد و اتّحاد قرار بگیرد.

مسلمان همیشه به سوی آینده می نگرد و هر وضعی که موجود باشد، اگرچه نسبتا خوب و عادلانه باشد، او را قانع نمی کند، آن را نهایت کار و پایان راه نمی شمارد، و اگر هم ظالمانه و غیر اسلامی باشد، در هر صورت و شرایطی، مسلمان ناامید نمی شود و وظیفه دارد که ظلم و فساد و تجاوز و جهل و خودکامگی و استضعاف را محکوم سازد و برای حصول هدف های اسلام، کوشش و تلاش بیشتر نماید تا به سهم خود به اسلام عزیز و به نوع بشر و جوامع متحیّر و سرگردان و مضطرب خدمتی انجام دهد. و نشستن و تسلیم بودن و کناره گیری کردن و تماشاگر صحنه های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن، هرگز در اسلام جایز نیست، و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفداء و فلسفه انتظار موافقت ندارد.

«وَقُلْ اِعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّه ُعَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛(۱)

«و بگو عمل کنید، پس به زودی خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را خواهند دید».

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۵.

انتظار و وعده الهی

اشاره

«قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللّه ِ وَاصْبِرُوآا إِنَّ الأَْرْضَ للّه ِ یُورِثُها مَن یَشآءُ مِنْ عِبادِهِ وَالْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ»؛(۱)

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی کنید، به تحقیق که زمین از آن خدا است، به هر کس از بندگانش بخواهد منتقل می فرماید: و حسن عاقبت از برای پرهیزکاران است».

«وَأَوْرَثْنا الْقَوْمَ الَّذِینَ کانُوا یُسْتَضْعَفُونَ مَشارِقَ الأَْرْضِ وَمَغارِبَها الَّتِی بارَکْنا فِیها وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ الْحُسْنی عَلی بَنِیآ إِسْرآئِیلَ بِما صَبَرُوا وَدَمَّرْنا ما کانَ یَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَما کانُوا یَعْرِشُونَ»؛(۲)

«و میراث دادیم به قومی که ضعیف شمرده شده بودند، خاورهای زمین و باخترهای آن را که مبارک گردانیده بودیم. و تمام گردید کلمه (و وعده) نیکوی پروردگار تو بر

۱- سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

بنی اسرائیل به سبب آنکه صبر کردند؛ و ویران ساختیم آنچه را فرعون و قومش می ساختند و آنچه را که افراشته بودند».

مسأله ای که همواره مایه امید مسلمانان منتظر و هسته مرکزی انقلابات علیه نظام های استثمارگر و اوضاع ظالمانه بوده و وعده الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است.

با اینکه می بینیم: زورمندان و استضعاف گران، مخالفان رژیم خود را می کوبند، دربند می کنند، به زندان می اندازند، در خاک و خون می کشند؛ باز هم استضعاف شدگان به پا می خیزند و مسیر تاریخ را عوض می کنند، باز هم سیاه پوست آمریکایی و آفریقایی قیام می کنند و حقوق خود را می طلبند، باز هم اندونزی و الجزایر استعمار را طرد می کنند و آن را بیرون می رانند و به حیاتش خاتمه می دهند.

فلسطینی های آواره و از خانه و وطن رانده شده می کوشند تا روزگار اسرائیل و رژیم فاسد نژادپرست صهیونیسم را با اینکه قدرت های بزرگ دنیا پشت سرش و بلکه در کنار و پیش رویش ایستاده اند و از او دفاع می کنند سیاه نمایند، و او را از اراضی مقدّسه و سرزمین هایی که غصب کرده، بیرون برانند.

مسلمانان و به ویژه شیعیان در طول تاریخ، علی رغم همه مشکلات و مصایب و فشارها، به دلیل همین امید و همین اعتقاد، سنگر مبارزه را رها نکرده و مستمرّا به تلاش خود ادامه داده اند.

مسأله این است که اگرچه ما جهان و وضع جهان را در مسیر هوی

و هوس و آرزوهای زیردستان و اقویا و طبقه حاکمه علیه ضعیفان و زیردستان و طبقه محکوم و محروم و مظلوم ببینیم؛ اگرچه جریان دنیا را به کام طبقه ای که در عیاشی، هرزگی، هوسرانی، شهوات و تجملات غرض شده و لوکس ترین زندگی ها را دارند، مشاهده نماییم، و اگرچه بسیاری از مردم جهان در نهایت فقر و پریشانی، گرفتار بیماری های گوناگون و محروم از حداقلّ زندگی یک انسان بلکه یک حیوان که صاحب با انصاف داشته باشد باشند و وحشیانه ترین قدرت ها، ملّت ها و جامعه ها را در زیر ضربه های ظلم و تجاوز پامال کنند.

با این حال، تاریخ بر مبنای سنّت های الهی و وعده خدایی، سرانجام به نقطه ای می رود که به نفع طبقه محروم و زیان طبقه غاصب و حاکم است؛ به سویی می رود که در آنجا همه نسبت به حقوق متساوی حقّ، برابر و مساوی و یک شکل و یک رنگ گردند و تمام رنگ ها و امتیازات پوچ شسته شود و از بین برود و برتری انسان ها فقط بر اساس تقوا باشد.

ستمگران و تجاوزکاران در برابر این وعده، مانند کسی هستند که بخواهد در جهت مخالف سیلی عظیم شنا کند، که هر چه قوی و شناگر باشد، سرانجام شکست می خورد و سیل او را به پیش رانده، و خواه و ناخواه در مسیر واقعی و جهت موافق سیل قرار می گیرد، یا نابود و معدوم می شود.

کسانی که علیه متجاوزان و استثمارگران انقلاب می کنند، اگر فاقد

تمام وسایل هم باشند، بهترین و نیرومندترین وسیله و اسلحه پیروزی آنان، این امید است که در جهت خواست و رضایت و وعده الهی قرار دارند و قطعا در مبارزه نهایی، پیروزی با آنها است.

آینده جهان در کلام الهی

این گونه اعتقاد به سنّت الهی اگرچه از آن، گاهی به طور صحیح بهره برداری نمی شود و انقلابی نماها هم آن را وسیله قرار می دهند اصل است و حقیقت؛ و در زبان قرآن کریم و احادیث شریفه به تعبیرات وافی و صحیح تر و الفاظ کافی تر شرح و بیان شده است؛ که از جمله این آیات، واقعی ترین تعبیرات و شرح و تفسیر این مسأله است:

«قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللّه ...»؛(۱)

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید...».

«وَأَوْرَثْنا الْقَوْمَ الَّذِینَ کانُوا یُسْتَضْعَفُونَ...»؛(۲)

«و ما قومی را که به استضعاف کشیده شده بودند، وارثان (مشرق و مغرب زمین) گردانیدیم».

«بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَی الْباطِلِ فَیَدْمَغُهُ فَإِذا هُوَ زاهِقٌ»؛(۳)

«بلکه حقّ را با شدت بر باطل افکنیم؛ پس حقّ، باطل را در هم می شکند، آن گاه از میان می رود».

«یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللّه بِأَفْواهِهِمْ وَاللّه مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ»؛(۴)

۱- سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۳- سوره انبیاء، آیه ۱۸.

۴- سوره صف، آیه ۸.

«می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند و خدا تمام کننده نور خویش است، هرچند کافران را خوش نیاید».

موضوع انتظار حضرت صاحب الامر عجّل اللّه تعالی فرجه و ایمان به ظهور مهدی موعود، مبنای این وعده الهی است و با سنّت الهی و آنچه در کتب آسمانی ثبت شده، کاملاً مطابق است.

در قرآن مجید می فرماید:

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»؛(۱)

«و همانا در زبور، پس از ذکر تورات نگاشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند».

شیعه و تمام مسلمانان بر اساس این عقیده سازنده و تحول آور، ایمان دارند که تاریخ در مسیر عدالت و به سوی عدالت جلو می رود و توقّف نمی کند و زمین را بندگان صالح و شایسته خدا به ارث می برند. و سرانجام حقّ در همه جا حاکم و پیروز می شود، و این سنّت و قانون خدا و خواست او است که می فرماید:

«وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ...»؛(۲)

«یعنی ما خواسته ایم که منّت گذاریم بر آنان که در زمین استضعاف شده اند...».

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲- سوره قصص، آیه ۵.

خدا چنین اراده کرده است که قدرت خود را به دست طبقه ضعیف آشکار سازد و طبقه استثمارگر قوی و غالب و ظالم را به دست آنان که استضعاف شده اند، بکوبد و مغلوب نماید.

این ایمان، جزء عقاید شیعه و بلکه هر مسلمان است که به هر نحو و هر طور که اوضاع به نفع ستمگران و فرعونیان استعباد پیشه قرار بگیرد، عاقبت با انقلاب مستضعفان شایسته و پرهیزکاران مجاهد، نظام و عدالت، حاکم و برقرار می شود.

این عقیده از نظر اجتماعی، بسیار مهم و انقلابی و مترقّی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قیام و فعالیت تشویق می کند و از سستی و ترک وظایف و تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می دارد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْیا عَلَیْنا بَعْدَ شِماسِها عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلی وَلَدِها وَتَلا عَقِیبَ ذلِکَ، وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ»؛(۱)

مضمون این سخنان امیدبخش و مژده دهنده این است:

«این دنیایی که مانند مرکبی چموش و سرکش، از سواری دادن به صاحب خودش خودداری می کند و با ما خاندان پیامبر ناسازگاری پیشه کرده و بر ما سخت و تنگ گرفته است، و حزب خدا و اهل بیت و خاندان رسالت و شیعیانشان را در

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، کلمات قصار ۲۰۰.

فشار ظلم و استبداد غاصبان و مرتجعان گذارده، و آنان را از حقوقشان محروم، و گرفتار شکنجه و زندان، و قطع دست و پا و گوش و بینی، و کشته شدن ساخته است، بعد از این همه ناسازگاری ها و ظلم و جور و غصب حقوق، البته و حتما مانند شتر بدخو و گزنده ای که به بچه اش مهربان و مایل می شود به ما مایل گردیده و رام اهل حقّ و شایستگان و مستضعفان خواهد شد؛ چون خدا در قرآن خبر داده است: خواستش این است که بر آن کسان که در زمین مورد استضعاف قرار گرفته اند منّت گذارد، و آنان را امامان و پیشوایان و وارثان زمین فرماید».

معلوم است در هنگامی که ابرهای مأیوس کننده فتنه های بزرگ، و تسلط غاصبان زمامداری و مقام رهبری جامعه اسلامی بر سر مردم و اهل حقّ، باران بلا و ناامیدی می باریده است، علی علیه السلام با این کلمات امیدوار کننده و انتظاربخش، دل های مردم را محکم کرده و به این حقیقت بزرگ و وعده تخلف ناپذیر الهی مژده داده و آنان را به فتح و ظفری که حزب خدا و حامیان حقّ در پیش دارند، نوید داده و به استقامت و پایداری تشویق فرموده است.

این کلام در عین حال که خبری از آینده و غیب و پیش گویی قاطع است، همین مسأله سنّت خدا (یا به زبان دیگر، وعده الهی) را که علی علیه السلام از آن آگاهی کامل داشته است، اعلام می کند.

آری، ولیّ خدا و کسی که مصداق «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ»(۱) است، به سنن الهی عالم و واقف است و از خواست خدا و نظامات و قواعدی که در جهان ماده و مجردات قرار داده، به اذن خدا و به تعلیم او بااطّلاع است.

علاوه بر این آیه کریمه، در سوره قصص در ضمن داستان استعلا و گردن کشی فرعون، این خواست و سنّت خدا را صریحا بیان فرموده است؛ چون معلوم است که این سنّت الهی فقط در مورد موسی و فرعون نیست؛ بلکه سنّت عام الهی است و در مورد هر گروه مستضعف و مؤمن و شخص یا دسته استضعاف گر در هر عصر و زمانی صادق است؛ اگرچه مصادیق آن، همه در یک ردیف نباشند و صدق این آیه و تطبیق آن و ظهور این سنّت و قاعده، بر موردی ظاهرتر و آشکارتر از موارد دیگر می باشد.

و لذا علی علیه السلام بعد از اینکه خبر از یک تحوّل بزرگ و انقلاب جهانی به نفع حزب حقّ و پیروان مکتب ولایت می دهد، این آیه را نیز تلاوت می فرماید؛ چون چنان که گفته شد، مفهوم آیه، اختصاص به عصر موسی و فرعون ندارد، و عام و کلی است(۲) و ظاهرترین مصداق این آیه در

۱- سوره رعد، آیه ۴۳.

۲- از عالی ترین بیانات راجع به این سنّت و وعده الهی و فلسفه تاریخ، بیانات حضرت زینب علیهاالسلام است که در خطبه تاریخی و بی نظیر که در مجلس یزید انشا فرمود. در این مجلس که با برنامه و تشریفات بسیار جبارانه و مستکبرانه ترتیب یافته و وحشت و رعب آن، دل افراد عادی را می لرزاند و توانایی سخن گفتن را از آنها می گرفت، ابراز مخالفت و توبیخ و سرزنش و تحقیر یزید و اعلان رسمی محکومیّت و انقراض حکومت او که خطر اعدام فوری داشت، از جانب یک بانوی اسیر و داغ دیده و مصیبت دیده، از معجزات بود. چنان که آن بلاغت و از قرآن مجید الهام گرفتن، سنجیده و به سامان گفتن، یزید و چاپلوسان درباری و مزدوران خودفروخته دستگاه را تحت تأثیر قرار دادن، کرامت و حقّانیت اسلام و اهل بیت را اثبات نمودن، ستمگران و مستبدان را حقیر و پست شمردن، آن پیشگویی ها و خبر از آینده دادن و متلاشی شدن نظام یزیدی گفتن که هر جامعه شناس و روان شناس را مات و متحیر می سازد، از معجزات است. اگر کسی در این اعجاز تردید دارد، به او پیشنهاد می کنیم و از تمام بلغا و سخنوران ماهر می خواهیم که از این خطبه تاریخی و سخنان عقیله قریش، خطبه ای کوبنده تر، قاطع تر، محکوم کننده تر و مناسب تر با آن مجلس و موقف انشا نمایند. الحق این خطبه از نشانه های درخشان جلالت، حقیقت، فضیلت و عظمت اهل بیت رسالت است، و از خدا می خواهم که شرحی بر این خطبه بنگارم و به افتخار خدمتی به آن حضرت سرافراز گردم. در این خطبه، زینب علیهاالسلام قانون و سنّت و وعده تخلف ناپذیر الهی (و به اصطلاح بعضی، فلسفه تاریخ) را مطرح ساخته و هنگامی که به حسب ظاهر همه چیز تمام شده و بسیاری مأیوس و ناامید و تسلیم وضع حاکم می شوند و یزید بر اوضاع مسلط گردیده و در نهایت استبداد و استعباد سلطنت می نماید، او طرفداران حقّ و حزب حقّ و شیعیان اهل بیت را از یأس و ناامیدی نجات می دهد و اهل بیت و هدف ها و مقاصدشان را فاتح و پیروز، و بنی امیه و حزب استعبادگر را مغلوب و شکست خورده معرفی می فرماید و جنین اعلام می کند که: از کرامت اهل حقّ چیزی کم نشد و بر اهل باطل چیزی افزوده نگشت و هرچه یزید کوشش و تلاش کند و اهل حقّ را بکشد و از میان بردارد و بر کید و کینه و

ستمگری انقلاب اسلام جلوگیری نمایـد و نور خـدا را خاموش سازد، هیـچ ثمره ای نـدارد. آری، زینب علیهاالسـلام به آینده درخشان اسـلام و اهل بیت علیهم السـلام و آثار نجات بخش انقلاب برادرش حسین علیه السلام صد در صد اطمینان داشت و می دانست راهی را که برادرش رفته است، راه خـدا، راه حقّ و راه تاریـخ است. در کربلاـ روز یـازدهم محرم، در آن هنگامی که او را به اسارت عازم کوفه کرده بودند و بدن های پاک شهدای راه حقّ روی زمین افتاده بود، همین خبر را می داد و آینده را می دیـد. در مجلس یزید نیز با همین منطق محکم، مجلس را قبضه کرد و یزید را چنان کوبید و در آن دادگاه تاریخ، چنان محکوم کرد که یزیـد نتوانست یک کلمه از خود دفاع نمایـد، یا آنکه غیظ و خشم خود را با تصـمیم جنایت دیگر فرو بنشاند. اینک قسـمتی از خطبه را که خطاب به یزیـد است بخوانیـد و در معنی انتظار تأمّل فرماییـد: «ثُمَّ کِدْ کَیْدَکَ وَاجْهَدْ جُهْدَکَ! فَوَاللّه ِ الَّذِی شَرَّفَنا بِالْوَحْیِ وَالْکِتابِ وَالنُّبُوَّهِ وَالاِْنْتِخابِ، لا تُدْرَکُ أَمَدُنا وَلا تُبْلَغُ غایَتُنا وَلا تَمْحُو ذِکْرُنا وَلا یُرَخَّصْ عَنْکَ عارُنا»؛ پس تمـام مکر و حیلـه ات را به کـار گیر و تمـام کوشـشت را انجـام ده! قسم به خـدایی که مـا را به وحی و کتـاب و نبـوّت و انتخاب مشرّف نمود، هرگز نمی توانی عمق و نهایت ما را درک کنی و ذکر و یاد ما را محو نمایی، و آن عاری که بر ما وارد نمـودی، از تو زدوده نخواهـد شـد.احتجاج طبرسـی، چـاپ بیروت، ص ۳۰۹. و شـخص امـام علیه السـلام نیز در ضـمن جریان نهضت کربلا به این قاعده الهی و قانون تاریخ، مکرر تصـریح فرمود که شـرح و تفصـیل آن از حدود این مقاله مختصـر خارج است.

تاریخ همان انقلابی است که به رهبری حضرت مهدی، قائم آل محمّد عجل اللّه تعالی فرجه برپا می شود. انقلابی که حتما واقع خواهد شد و خواست خدا و سنّت الهی است.

«فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّه ِ تَبْدِيلاً وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّه ِ تَحْوِيلاً»؛(۱)

«و هرگز در سنّت خدا تبدیل و تغییری نخواهی یافت».

بنابر آنچه بیان شد، معلوم می شود که انتظار و عقیده به ظهور مهدی علیه السلام چگونه فکر و اندیشه را آینده گرا می سازد و مسلمان را برای مقاومت، استقامت، پایداری، مبارزه با باطل و جهل و فساد، آماده و مصمم می کند و او را با این فلسفه مهم تاریخ، در ضمن اصطلاحات دینی و قرآنی که کامل تر و صحیح تر از هر منطق دیگر بازگو کرده است، آشنا می نماید.

۱- سوره فاطر، آیه ۴۳.

انتظار؛ عامل مبارزه با فساد و انحراف

اشاره

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوآا إِن تُطِیعُوا الَّذِینَ کَفَرُوا یَرُدُّوکُمْ عَلیآ أَعْقابِکُمْ فَتَنقَلِبُوا خاسِرِینَ * بَلِ اللّه ُمَوْلاکُمْ وَهُوَ خَیْرُ النّاصِرِینَ»؛(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از کفار فرمان ببرید، شما را به عقب (کفر و جاهلیت) برمی گردانند، پس شما زیان کار می گردید؛ بلکه خداوند مولی و صاحب اختیار شما است و او بهترین یاری کنندگان است».

«إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلیآ أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی الشَّیْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلی لَهُمْ»؛(۲)

«به درستی آنان که به عقب برگشتند (مرتجع شدند) بعد از آنکه هدایت بر ایشان آشکار گشت، شیطان این کار (ارتجاع) را بر ایشان بیاراست، و خدا آنها را (برای امتحان و اتمام حجت) مهلت داد».

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲- سوره محمّد، آیه ۲۵.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اَلْاَءَئِمَّهُ بَعْدِی اثْناعَشَرَ؛ تِسْعَهٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ، وَالتّاسِعُ مَهْدِیُّهُمْ»؛(۱)

«امامان بعد از من دوازده نفرند: نُه نفر از فرزندان حسین علیه السلام می باشند و نهمین آنها مهدی علیه السلام است».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلاّ یَوْمٌ، لَبَعَثَ اللّه ُرَجُلاً مِنْ أَهْلِ بَیْتِی یَمْلاَءُها عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْرا»؛(۲)

«اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خدا بر می انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل پر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد».

انتظار عامل مبارزه با فساد و انحراف

مسلمانان عموما و شیعه اثنی عشری خصوصا، انتظار ظهور شخصیتی را می کشند که انقلاب اسلام را جهانگیر، حقّ و عدالت را پیروز بشر را از تضادهای گوناگون، استثمار، استعباد و استعمار و از وقوف و توقف نجات دهد و به سوی جلو پیش براند و اصول توحید، مساوات، آزادی و برادری اسلامی را رایج نماید.

این شخص موعود، امام دوازدهم از دوازده نفر پیشوایان و رهبرانی

۱- منتخب الاثر، ف ۱، ب ۷، ح ۲، ۱۰۶ حدیث دیگر به این مضمون.

۲- منتخب الاثر، ف ۲، ب ۱، ح ۴.

است که پیغمبر عالی مقام اسلام صلی الله علیه و آله در صدها حدیث آنها را معرفی کرده و فرزند عزیز رهبر یازدهم، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است.

اصل انتظار به صورت های گوناگون در بین ملل مختلف، همواره محفوظ بوده و آینده نگری همیشه بشر را به خود مشغول داشته، برگشتن به عقب و بلکه وقوف و ایستادن در یک مرحله به هر حال محکوم بوده و خلاف سنن عالم خلقت است.

حرمت بازگشت به فرهنگ جاهلی

قرآن مجید با بیانی محکم در آیات متعدد، برگشتن به عقب را محکوم فرموده است.

در غزوه تاریخی اُحد که مسلمانان آزمایش شدند، امیرالمؤمنین علی علیه السلام فداکاری ها کرد و پرچمداران و دلیران نامی مشرکان را کشت، و جبرئیل مواسات بی نظیرش را با پیغمبر صلی الله علیه و آله ستود و به پیغمبر گفت: «هذِهِ الْمُؤاساهُ». پیغمبر در جواب فرمود: «إِنَّهُ مِنِّی وَأَنَا مِنْهُ؛ او از من است و من از اویم». جبرئیل گفت: «وَأَنَا مِنْکُما؛ من نیز از شما هستم». و ندا در داد: «لا سَیْفٌ إِلاّ ذُوالْفَقارِ وَلا فَتیً إِلاّ عَلِیٌّ».

در این غزوه، وقتی پاسداران درّه ای که کمین گاه بود و پیغمبر صلی الله علیه و آله آنان را به پاسداری آنجا مأمور فرموده بود، هزیمت و شکست کفار را در اثر مجاهدات علی علیه السلام دیدند، سنگر خویش را رها کردند و خالد بن ولید با گروهش که در آنجا کمین کرده بود، از همانجا به مسلمانان

حمله ور شدند و تنی چند از پاسداران و فرماندهشان عبداللّه بن جبیر را به شهادت رساندند. چهره جنگ به نفع مشرکان تغییر کرده و گروهی از مسلمانان کشته شدند و دیگران فرار کردند؛ غیر از علی بن ابی طالب، و دو نفر دیگر هم برحسب بعضی از نقل ها که در نام آنها اختلاف است کسی با پیغمبر ثابت نماند و راه فرار پیش گرفتند؛ و بعضی که شنیدند پیغمبر کشته شده است، در مقام ارتجاع و ارتداد و امان گرفتن از کفار برآمدند.

و از جمله فراریان، ابوبکر و عمر و عثمان بودند، و عثمان در فرار و پشت کردن به جهاد و دفاع از اسلام و پیغمبر، به قدری از میدان جنگ دور شده بود که سه روز بعد برگشت.

نظر به این سستی ها و تصمیم بعضی دیگر بر بازگشت به عصر جاهلیت و ارتداد، آیات متعددی در نکوهش و سرزنش آنان و حرمت ارتجاع و وجوب ثبات قدم و استقامت نازل شد که از جمله این آیه بود:

«وَما مُحَمَّدٌ إِلّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلىٓ أَعْقابِكُمْ وَمَن يَنقَلِبْ عَلى عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللّهَ شَيْئا وَسَيَجْزِى اللّهُ الشّاكِرِينَ»؛(۱)

«و نیست محمّد مگر رسولی که قبل از او هم پیامبران بسیاری بوده اند؛ آیا پس اگر (او) مُرد یا کشته شد، به عقب

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.

برمی گردید؟ و هرکس به عقب برگردد، هرگز به خدا زیانی نمی رساند و خدا به زودی شاکران را پاداش می دهد».

این آیه با کمال صراحت دستور می دهد که حتی با رحلت یا کشته شدن پیغمبر که بزرگ ترین ضربت بر روح طرفداران انقلاب اسلامی و الهی اسلام است انقلاب اسلام نباید توقف شود و باید در مسیر خود پیشرفت نماید و باید مسلمانان دنبال این انقلاب را بگیرند و به عقب برنگردند.

وقتی رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نباید این عکس العمل را داشته باشد که کسی به فکر ارتداد و بازگشت به عقب و رژیم های دوره جاهلیت و پذیرش برنامه های غیر اسلامی بیفتد، پس معلوم است که مسلمان از هیچ حادثه و فاجعه دیگر، هرچه سخت و جانکاه باشد و هرچه زیان مالی و مادی و جانی داشته باشد، به ارتداد و عقب گرد، و قبول برنامه ها و نظام های کافر مایل نمی شود و از کوشش برای پیش رفتن، ترقی و جهانی شدن انقلاب اسلام چشم برنمی دارد.

انتظار مصلح آخرالزمان و مهدی موعود، علاوه بر ریشه های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی ترین فلسفه اجتماعی است.

مسلمانان عقیده دارند که انقلاب اسلام، جهانگیر و پیروز می شود و عالم از این نابسامانی های مدنیت منهای شرف و انسانیت نجات پیدا می کند و بازگشت به عقب و ارتداد و عقب گرد، خلاف اصل و خلاف نهضت انبیا و تعالیم اسلام است.

اگرچه دنیای مادی امروز به ظاهر رو به جاهلیت گذارده و اهداف عالی انسانی و حقیقت و فضیلت و مابه الامتیاز بشر از حیوان، در بسیاری از جوامع فراموش شده، و طغیان و ظلم و بیدادگری و تجاوز و زور و استبداد و قلدری و استثمار و شهوت رانی و نابکاری و خیانت و ناامنی به صورت ها و جلوه های نو در جهان رایج شده و روز به روز رایج تر می شود؛ و اگرچه الفاظ و کلمات صلح، عدالت، آزادی، مساوات، برادری، همکاری، تعاون و بشر دوستی را در معانی دیگر یا برای مقاصد دیگر به کار می برند؛ و اگرچه فاصله بین زورمندان و فرماندهان و زیردستان و فرمان بران هر روز زیادتر و رابطه آنها با یکدیگر به رابطه دو انسان برابر هیچ شباهت ندارد؛ ولی این توحّش تا هر کجا برود (تا دو هزار و پانصد سال، تا سه هزار سال، و پنج هزار سال بیشتر هم به عقب برگردد)؛ چون خلاف خواست های واقعی بشر و سیر کمالی او و خلاف عقیده و آرمان او است، پیروز نمی شود و سرانجام به شدیدترین وضعی سرکوب و ریشه کن خواهد شد.

این جاهلی مسلکی هرچه نیرو بگیرد و از هر حلقومی برایش تبلیغ شود، و هرچند که آموزش و فرهنگ را با زور قوای انتظامی با آن همگام و همراه سازند، عاقبت در برابر منطق آسمانیِ قرآن، که می فرماید:

«تَعالَوْا إِلى كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ أَلاّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللّهَ وَلا نُشْرِكَ

بِهِ شَیْئا وَلا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضا أَرْبابا مِن دُونِ اللّه »؛(۱)

«بیاییـد به سوی کلمه و عقیـده یکسان و مشترکی بین ما و شـما، که نپرستیم مگر خدا را و به او شـرک نیاوریم و هیچ کدام از همدیگر را غیر از خدا ربّ خود نگیریم».

و در برابر آیه:

«إِنّا خَلَقْناکُمْ مِن ذَکَرٍ وَأُنثی وَجَعَلْناکُمْ شُعُوبا وَقَبآئِلَ لِتَعارَفُوآا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِندَ اللّه ِ أَتْقیکُمْ»؛(۲)

«ما شـما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شـما را در قبایل و ملّت های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ البته گرامی ترین شما نزد خدا، متقی ترین شما است».

و در مقابل منطق وحی:

«وَلَقَدْ بَعَثْنا فِی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللّه َوَاجْتَنِبُوا الطّاغُوتَ»؛(۳)

«و ما در هر امتی، رسولی فرستادیم که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید».

و آیات بسیار دیگر شکست می خورد، و زبان و بلندگوهایش خاموش و قلم نویسندگانش می شکند.

فساد، فحشا، نابکاری جوانان و بانوان، وضع بسیار ننگین و پر از

۱- سوره آل عمران، آیه ۶۴.

۲- سوره حجرات، آیه ۱۳.

۳- سوره نحل، آیه ۳۶.

آلودگی های زن در شرق و غرب جهان امروز و خیانت و جنایت، هرچه جلو برود، و هرچه نیروهای مادّی، این فسادها را تهییج کند و آن را برای منافع پلید استثماری یا استعماری گسترش دهد، جنبش و انقلاب را علیه این مفاسد، کوبنده تر و ضربت آن را بر کاخ های فساد و طغیان، کاری تر می سازد.

مقاومت، در برابر بازگشت به جاهلیت

مسلمانی که با چنین فکر و عقیده آینده گرا زندگی می کند، هرگز با گروه های فاسد و مشرک و خدانشناس همراه نمی شود و تا می تواند تقدّم و نوگرایی و آینده بینی خود را حفظ کرده و ثابت و استوار به سوی هدف پیش می رود.

او اطمینان دارد و به یقین می داند که بساط ظلم و فساد برچیده شدنی است؛ چون بر جامعه و بر فطرت بشر تحمیل است و آینده برای پرهیزکاران و زمین از آن شایستگان است:

«إِنَّ الأَرْضَ لِلّه يُورِثُها مَن يَشآءُ مِنْ عِبادِهِ وَالْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ»؛(۱)

«همانا زمین از آنِ خدا است و به هرکس از بندگانش که بخواهد، به ارث می دهد و عاقبت از آن متقین است».

بنابراین مسلمان تسلیم ظلم و فساد نمی شود و با ستمگران و مفسدان همکار و همراه و هم صدا نخواهد شد.

۱- سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

این اصل انتظار مانند یک قوه مبقیه و عامل بقا و پایداری، طرفداران حقّ و عدالت و اسلام خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاه های فشار، استعباد، جهل و شرک، بشرپرستی و فساد انگیزی پایدار نگه می دارد و همواره بر روشنی چراغ امیدواری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آنها می افزاید و آنان را در انجام وظایف، شور و شوق و نشاط می دهد.

این اصل انتظار است که در مبارزه حقّ و باطل، صفوف طرفداران حقّ را فشرده تر و مقاوم تر می کند و آنها را به نصرت خدا و فتح و ظفر نوید می دهد و گوش آنها را همواره با صداهای نویدبخش قرآن آشنا می دارد:

«قُلِ انتَظِرُوآا إِنّا مُنتَظِرُونَ»؛(۱)

«بگو منتظر باشید که ما هم منتظریم».

«فَتَرَبَّصُوا إِنّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ»؛(۲)

«منتظر باشید که ما هم با شما منتظریم».

«فَانتَظِرُوآا إِنِّی مَعَكُم مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»؛(۳)

«منتظر باشید که من هم با شما منتظرم».

خاص و عام، شیعه و سنی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

۱- سوره انعام، آیه ۱۵۸.

۲- سوره توبه، آیه ۵۲.

۳- سوره اعراف، آیه ۷۱.

«لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الـدُّنْیا إِلاّ یَوْمٌ واحِـدٌ، لَطَوَّلَ اللّه ُذلِکَ الْیَوْمَ حَتّی یَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِی یُواطِیءُ اسْـمُهُ اسْـمِی وَکُنْیَتُهُ کُنْیَتِی، یَمْلَاءُ الْاءَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطا کَما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما»؛

«اگر نمانـد از دنیا مگر یک روز، خداونـد متعال آن روز را طولانی فرماید تا بیرون آید مردی از فرزندان من که نامش نام من و کنیه اش کنیه من باشد، زمین را پر از عدل و قسط کند، هم چنان که از جور و ظلم پر شده باشد».

این انتظـار، ضـعف و سـستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست و عـذر برای کسـی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نمی باشد، و سکوت و بی حرکتی و بی تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و یأس و ناامیدی را هرگز با آن نمی توان توجیه کرد.

این انتظار، حرکت، نهضت، فـداکاری، طرد انحراف و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است، مکتب زنده و سازنده اسـلام و محمّـد، علی و زهرا و حسن و حسـین و زین العابدین و تمام ائمه علیهم السـلام و سایر اصـحاب و یاران خاص و پیروان آنها است. اگر نادانـان یا مغرضان آن را به طور دیگر تفسـیر کرده و آن را مکتب کنار رفته ها و کنار گذاشـته شـده ها، بیچاره ها، مأیوسان، تن به خواری دادگان، چاپلوسان و دین فروشان معرفی کنند، خود در ردیف یهود، که مصداق:

«یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ»؛(۱)

«کلام ها و سخنان را از مواضع اصلی خود تحریف و دگرگون می کنند».

می باشند، قرار داده اند.

«یا أَیُّهَا الرَّسُولُ لا یَحْزُنکَ الَّذِینَ یُسارِعُونَ فِی الْکُفْرِ مِنَ الَّذِینَ قالُوآا آمَنّا بِأَفْواهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِینَ هادُوا سَمّاعُونَ لِلْکَذِبِ سَمّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِینَ لَمْ یَأْتُوکَ یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَواضِعِهِ»؛(۲)

«ای پیامبر! آنان که به زبان گفتند: ایمان آوردیم؛ ولی قلب هایشان ایمان نیاورد و به سوی کفر سرعت گرفته اند، تو را ناراحت نکنند و همچنین آن یهودانی که حرف های تو را تحریف کرده و به دروغ، سخنان فتنه خیز برای قومی که پیش تو نیامده اند، نقل می کنند، اینان سخنان را مطابق میل و هوای نفس خود از مواضع اصلی اش تحریف می کنند».

۱- سوره نساء، آیه ۴۶.

۲- سوره مائده، آیه ۴۱.

ارزش انتظار در قرآن و حدیث

«قُلْ کُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَمَنِ اهْتَدی»؛(۱)

«بگو همه منتظرند، پس انتظار بکشید! زود باشد که بدانید راه راست پویان و کسانی که هدایت یافته اند، کیانند؟!».

«وَقُلْ لِلَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلی مَکانَتِکُمْ إِنّا عامِلُونَ * وَانْتَظِرُوآا إِنّا مُنتَظِرُونَ»؛(۲)

«بگو به آنان که ایمان نمی آورند (از راه تهدید)! عمل کنید به حال خود، ما هم عمل می کنیم؟ و منتظر باشید، ما هم منتظریم».

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لَنا دَوْلَهً یَجِیءُ اللّه ُبِها إِذا شآءَ. ثُمَّ قالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحابِ الْقآئِمِ فَلْیَنْتَظِرْ وَلْیَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحاسِنِ الْأَخْلاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ»؛(۳)

۱- سوره طه، آیه ۱۳۵.

۲- سوره هود، آیه ۱۲۱ و ۱۲۲.

۳- منتخب الاثر، ف ۱۰، ب ۲، ح ۹.

«البته که برای ما دولتی است که وقتی خدا خواست آن را می آورد. هر کس شاد می شود که از اصحاب قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و باید کار به پارسایی و اخلاق نیک کند و منتظر باشد».

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«تَمْتَدُّ الْغَیْبَهُ بِوَلِیِّ اللّه عَزَّوَجَلَّ الثّانِی عَشَرَ مِنْ أَوْصِیاءِ رَسُولِ اللّه وَالاْئِمَّهِ بَعْدَهُ علیهم السلام ، إِنَّ أَهْلَ زَمانِ غَیْبَتِهِ الْقآئِلِینَ بِإِمامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِینَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ کُلِّ زَمانٍ»؛(۱)

«غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصیّ پیغمبر خدا و امامان بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله امتداد پیدا می کند. اهل زمان غیبت آن حضرت که معتقد به امامت و منتظر ظهور او باشند، از اهل هر زمان برترند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَفْضَلُ الْعِبادَهِ انْتِظارُ الْفَرَجِ»؛(۲)

«برترین عبادت انتظار فرج (و پایان نابسامانی ها و دشواری ها و بی عدالتی ها و ظهور دولت حقّه حضرت مهدی علیه السلام و برقراری مطلق نظام اسلامی) است».

۱- منتخب الاثر، ف ۲، ب ۲۴، ح ۱.

۲- منتخب الاثر، ف ۱۰، ب ۲، ح ۱۶.

ارزش انتظار

بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است؛ و اگر از انتظار بیرون بیاید و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و بی هدف و بی مقصد می شود.

حرکت و انتظار در کنار هم می باشند و از هم جدا نمی شوند؛ انتظار علّت حرکت و تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هرچه مقدّس تر و عالی تر باشد، انتظارش نیز ارزنده تر و مقدّس تر خواهد بود و ارزش مردم را باید از انتظاری که دارند، شناخت:

یکی انتظارش این است که پایان سال شود و رتبه ای بگیرد و حقوق و جیره اش زیاد شود.

یکی دیگر انتظارش این است که پایان سال تحصیلی برسد، گواهی نامه و مدرکی بگیرد و به وسیله آن، کار و شغل مناسبی تهیه نماید.

یکی منتظر است وضعش رو به راه شود تا خانواده تشکیل دهد و همسری اختیار کند و از تجرد و تنهایی خود را خلاص سازد.

دیگری منتظر است درآمدش بیشتر شود، خانه شخصی، ماشین سواری و ... خریداری کند؛ یا اگر همت و نظرش بلند باشد، بیمارستان یا مسجد یا مدرسه یا کتابخانه و دارالعلمی تأسیس کند.

یک نفر انتظار دارد در فلان مناقصه یا مزایده برنده شود.

خلاصه همه منتظرنـد؛ کاسب منتظر؛ کشاورز منتظر؛ کنتراتچی منتظر؛ باغ دار منتظر؛ صـنعت گر منتظر؛ پـدر، مادر و معلم همه منتظرند؛ بلکه ملّت ها و جامعه ها و حکومت ها همه منتظرند.

رژیم های سرمایه داری انتظار دارند که قدرتشان بیشتر گسترش یابد و دنیا را شدیدتر به زیر یوغ بی رحم استثمار خود بکشند و خون ضعفا را بمکند.

رژیم های کمونیستی منتظرند انقلاب کمونیستی همه جا را زیر چتر خود بگیرد، و شدت فقر و جنگ و اختلاف طبقاتی تحول ایجاد کرده، اوضـاع را به نفع آنها عوض کنـد تا کمونیسم، آزادی های فردی و حرمت انسانی را در کام خود فرو برد و افراد جامعهماننـد یک ماشین یا یک مرکز دامـداری که وسایل خوراک و فربه شـدن و خوردن و چریدن در آن فراهم شده باشد، منهای انسانیت زیست کنند.

دانشـجویان واقعی و محققـان منتظرنـد بـا نیروی تفکّر و انـدیشه، مشـکلات علمی را حل کرده و هرچه بیشتر بر دانش و درک خود بیفزایند و دایره معلومات را توسعه دهند.

پزشک با ایمان منتظر است نتیجه معالجات خود را در بیمارش ببیند.

«قُلْ کُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا»؛(۱)

«بگو همه منتظرند، پس منتظر باشید».

اگر انتظـار در این دنیـا که عامل تدریـج و تـدرّج، تأثیر و تأثّر، فعل و انفعال، و گـذشت زمان است، از بشـر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی لذّت و بی معنی است.

انتظار است که زندگی را لذّت بخش و باروح و بامعنی می سازد و شخص را به زندگی علاقه مند می نماید.

یک درخت تا وقتی انتظار می رود رشد کند و سایه داشته باشد و میوه بدهد، باقی می ماند؛ ولی وقتی از میوه دادن و از نمو و ترقی افتاد، آن را قطع می نمایند و به جایش نهالی می نشانند که تا سال ها چشم انتظار به رشد و نمو میوه آن بدوزند و آن را پرورش دهند و آبیاری کنند.

پس همه جهان و همه جامعه ها و همه مردم و افراد، تا هستند و در سراشیبی سقوط و انقراض و فنا و مرگ و نیستی وارد نشده اند، منتظرند و باید منتظر باشند.

اسلام و انتظار

اسـلام که تعلیمـات و هـدایت هـایش بر اسـاس فلسـفه های عمیق و صـحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده

۱- سوره طه، آیه ۱۳۵.

را، پشتوانه بقای جامعه ای مسلمان و محرک احساسات و مهیّج روح فعالیّت و اقدام قرار داده است؛ و انتظار آینده بهتر و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث شریف:

«أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتِی انْتِظارُ الْفَرَجِ»؛(۱)

«برترین کارهای امتم انتظار فرج است».

انتظار فرج را افضل اعمال امّت خود معرفی فرموده است.

آن هنگـام که پیغمبر بزرگ اسـلام صـلی الله علیه و آله در حـالی که غیر از علی علیه السـلام و عموی بزرگوارش ابوطالب، از مردها یار و یاور دیگر نـداشت و مردم را به خدا و دین توحید دعوت می فرمود؛ آن هنگام که دست یافتن بر خزائن کسـری و قیصر، آن هم برای مردمی محروم و مستضعف، جزء محالات عادی محسوب می شد؛ و در آن هنگامی که به جای همکاری و قبول آن دعوت نجات بخش و آزاد ساز توحیـدی، از مردم دشـنام و ناسـزا و اهانت می شـنید و رنـج و آزار و اذیت می دیـد، مردم را به آینـده درخشان این امّت نویـد می داد و وعـده می داد که کلمه توحید را بگویید تا رسـتگار شوید: «قُولُوا لا إِلهَ إِلَّا اللّه ُ تُفْلِحُوا» تا عرب خاضع شـما گردد و عجم به شـما جزیه بدهد. سوگند یاد می کرد که گنج های کسری و قیصر در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

۱- تحف العقول عن الرسول، ص ۳۷.

و پیروانش با سرمایه و اسلحه انتظار رو به سوی آینده و قدم به پیش قرار داده بود. و در برابر سیل مخالفت ها و شیطنت ها، قطع ارتباط ها و محاصره ها، شکنجه ها و آزارهای بدنی مسلح، به مقاومت و ایستادگی حتی تا ترک مال و خانه و شهر و مسکن در راه اسلام و هدف های توحید آن، تشویق می کرد و از پیروزی حقّ و مغلوب شدن باطل سخن می راند.

این انتظار و ایمان به این وعده های الهی بود که مسلمانان را در میدان ها فاتح و جانباز و فداکار کرد.

مسلمانان در انتظار این روزهای درخشان، آن روزهای سخت و تلخ و پر از مصیبت را پشت سر گذاشته و جلو رفتند.

قرآن مجید در آیات متعدّدی، مسلمانان را به انتظار آینده گذارده و آینده بهتر را به این امّت نوید داده است و آینده گرایی را تعلیم می فرماید.

از جمله در این آیه نوید می دهد که هرگاه خطر ارتجاع پیش آید و از مسلمانان، افرادی مرتد و بی دین شوند و از دین برگردند، خدا قوم و گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنها خدا را دوست می دارند، نسبت به مؤمنان فروتن هستند، نسبت به کفار، عزیز و غالب و خوددار و غیر قابل انعطاف می باشند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت و سرزنش ملامت کنندگان بیم ندارند؛ که آیه ذیل مشعر بر این مطلب است:

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مَن یَرْتَدَّ مِنکُمْ عَن دِینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللّه ُبِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکافِرِینَ یُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللّه ِ وَلا یَخافُونَ لَوْمَهَ لآئِمٍ ذلِکَ فَضْلُ اللّه ِ یُؤْتِیهِ مَن یَشآءُ وَاللّه ُواسِعٌ عَلِیمٌ»؛(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هرکس از شما از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی رساند؛ خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آنها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامت گری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد. و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست».

در این آیه که خطر ارتداد و بی دینی و بازگشت به سوی کفر و شرک و فحشا و بشر پرستی و سنن و رسوم باطل شده، به وسیله اسلام مطرح شده است، قیام گروهی مجاهد را که با ارتجاع مبارزه کنند و آن را سرکوب نمایند، نوید داده؛ و مسلمانان حقیقی را در برابر این مرض مهلک و خطرناک، با انتظار و اعلام آینده سالم و شکست ارتجاع و پیروزی دوستان خدا، مصونیت بخشیده است.

۱- سوره مائده، آیه ۵۴.

و نیز آیه:

«إِنّا نَحْنُ نَزَّلْنا الذِّکْرَ وَإِنّا لَهُ لَحافِظُونَ»؛(۱)

«همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و خود نیز آن را حفظ خواهیم کرد».

خبر از حفظ قرآن مجید و رسالت اسلام و این دین و آیین مقدّس می دهد و مخصوص به یک دوره و عصر نیست و تا ابد و تا هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل جامعه جهانی اسلام، این آیه نویدبخش و امیدوار کننده است که در هیچ حال و شرایطی مسلمانان نباید ناامید باشند، بقای این دین برحسب سنن الهی و وعده های خدا و رسول خدا تضمین شده است.

اگر بازگشت به عقب و ارتداد و رجعت به جاهلیتی پیش بیاید و در بین ملل مسلمان، صدای افتخار به دوره های جاهلیت و زنده کردن رسوم پیش از اسلام بلند بود، و اگر به هر شکل و وضع، بیگانگان یا افرادی که در شمار مؤمنان بوده و به ارتداد و فساد روی نهاده اند، بخواهند پیشرفت و جهانگیر شدن انقلاب الهی اسلام را متوقف کنند، یا از بین ببرند و شعائر اسلام را تعطیل و در فراموشی اندازند، قانون خلقت و صدای وجدان و فطرت و اراده الهی، گروهی مصمّم و باعزیمت را که خدا آنها را دوست دارد و آنها خدا را دوست

۱- سوره حجر، آیه ۹.

می دارند، برای حمایت این دین و جهانی شدن این انقلاب و روشن نگاه داشتن این چراغ بر می انگیزد.

از هنگام رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حال، تاریخ اسلام مصادیق و نمونه های بسیاری از آنچه در این آیه پیش بینی شده است، نشان می دهد و ارتداد در صورت های مختلف، دعوت اسلام را تهدید کرده و بلکه به ظاهر متوقف ساخت؛ ولی چنان که در این آیه خداوند متعال وعده فرموده است، هر مرتبه، ارتداد به وسیله افرادی الهی و مخلص و فداکار سرکوب شده و خطر خاموش شدن صدای دعوت اسلام مرتفع گشت. ارتداد و عقب گردی که پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله (۱)

۱- برحسب اخبار مستفیض و بلکه متواتر حوض که در معتبرترین جوامع حدیث اهل سنّت، مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و موطّأ مالک و مسند احمد روایت شده است، رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله خبر داد که گروهی از اصحابش پس از وفات آن حضرت بی دین و مرتد گردیده، و بازگشت به عقب و قهقرا می نمایند، و صدق خبر پیغمبر صلی الله علیه و آله ظاهر گشت. هنوز جسد اطهر پیغمبر صلی الله علیه و آله دفن نشده بود که مرتجعان وارد میدان شده، و برنامه هایی را که پیغمبر در امور ولایت و رهبری امّت و لزوم تمسّک به کتاب و عترت اعلام فرموده بود کنار گذارده و سقیفه بنی ساعده، نخستین مظهر رسمی این ارتجاع گردید. و این همان ارتجاعی است که زهرای مرضیه علیهاالسلام در آخر خطبه تاریخی در مسجد مدینه آن را محکوم فرمود و از جمله فرمود: «فَلَمَّا اخْتارَ اللّه لِنَبِيِّهِ دارَ أَوْلِيائِهِ وَمَأْوى أَصْفِيائِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسْكَةُ النِّفاقِ، وَسَمُلَ جِلْبابُ الدِّينِ، وَنَطَقَ كاظِمُ الْعاوِينَ، وَنَبَغَ خامِلُ الْأَقَلِّينَ، وَهَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصاتِكُمْ، وَأَطْلَعَ الشَّيْطانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هاتِفا بِكُمْ، فَأَلْفاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ...»؛ «وقتی خدا جان پیامبر خود را قبض کرد، قومی به عقب برگشته و راه ارتجاع پیش گرفتند و راه های گوناگون، آنها را گمراه کرد و به بیگانه اعتماد کردند و با غیر رحم پیوند نمودند، و سبب و وسیله ای را که مأمور به مودّت و دوستی آن بودند، ترک کردند و بنا را از اساسش کنده و در غیر جایگاه خود بنا نمودند». و در مکتوبی (نامه ۳۲، صبحی صالح) که به معاویه مرقوم فرموده است: پیروانش را که پس از رهبران گذشته این ارتداد، وارث آنان شد، نکوهش نموده و می فرماید: «فَجازُوا عَنْ وِجْهَتِهِمْ وَنَكَصُوا عَلى أَعْقابِهِمْ، وَتَوَلَّوْا عَلى أَدْبارِهِمْ، وَعَوَّلُوا عَلى أَحْسابِهِمْ»؛ «کسانی که گرفتار مکر و خدعه معاویه و اضلال او شدند، از راه خدا برکنار گردیده و به قهقرا برگشته و راه ارتداد و ارتجاع پیش گرفته و به حسب های پست و بی مایه و الغا شده، اعتماد کردند».

مخصوصـا در امر خلافت و رژیم حکومتی اسلام پیش آمـد و منتهی به عثمان ها و معاویه ها و یزیـدها و سایر بنی امیه و بنی عبـاس و سـتمگران دیگر شـد و نظـام سـیاست و حکـم و اداره جـامعه اسـلامی را بـه نظـام حکـومت هـای قیصـرها و کسـریها بر گرداند، ابتدا با مقاومت و مخالفت رسمی افرادی انگشت شمار به رهبری علی و فاطمه زهرا علیهاالسلام روبرو شد، و پس از آن، اگرچه عقب گرد از دین به مرور زمـان گسترش یـافت؛ ولی کـ کسانی که از آن بازگشـته و به گروه علی علیه السـلام و وفـاداران حقیقی انقلاـب اسـلام ملحق گردیدنـد، زیـاد شدنـد و با قیام مسـلمانان انقلاب خواه علیه عثمان، حکومت علی علیه السلام فرهنگ جاهلی را در یک قدمی نیستی و فنا قرار داد؛ امّا بازمانده و وارث حقیقی جاهلیت (معاویه) دوباره پرچم ارتداد را برافراشـت و از آن به بعـد، اگرچه جـاهلیت ریشه کن نگردیـد، و اسـلام نیز تـا حـال به هـدف هـای بزرگ خـود نرسـیده و انقلابش کامل نگشـته و در بین راه است و بایـد منتظر آینـده بود تا آن مصـلح حقیقی و منتظر موعود بیاید و انقلاب اسـلام را عالم گیر ساخته و حکومت جهانی الهی را تشکیل دهد؛ ولی همواره تحت تأثیر همین

تعالیم اسـلام و برنامه انتظار، مبارزه با ارتـداد و جاهلیت جریان داشـته و دارد و در صورت های مختلف از تسـلط کامل و تمام عیار جاهلیت جلوگیری شده است که شـهادت سیّد الشهدا علیه السلام و قیام مقدّس حسینی علیه بنی امیه، کاری ترین ضربت ها بر پیکر ارتدادی بود که به وسیله بنی امیه رهبری می شد.

مـا در اینجا نمی خواهیم تاریـخ این مقاومت ها و مبارزه ها را در عصـر بنی امیه و بنی عباس و ادوار مختلف شـرح دهیم، و از نقش اهـل بیت و برنـامه ها و تعالیم ائمه طاهرین علیهم السـلام که بیشتر به صورت مبارزه منفی بسـیار دقیق به حملات خلفای جور علیه موجودیت اسـلام و حقایق و اهـداف مقـدّس این دین پاسخ داده و مدافعه می نماید، چیزی بگوییم؛ ولی باید متذکّر شویم که روش مبارزه منفی آنها، اکنون هم مؤثرترین روش مبارزه با دشـمنان داخلی، منافقان و دشمنان خارجی است و نتایج مهمی نیز داشـته است. مثلاً به زنـدان افتادن امام هفتم حضـرت موسـی بن جعفر علیه السـلام به شدّت ارکان جاهلیتی را که به وسیله هارون دیکتاتور و با آن همه قدرت و توسعه قلمرو حکومت استبدادی نگهداری می شد لرزاند.

بیان کامل این مطلب، حـداقل به یک کتاب مفصل نیاز دارد که فعلاً در پی آن نیستیم؛ بلکه فقط می خواهیم متذکّر شویم که انتظـار و مثـل این وعـده هـایی که در این آیه کریمه و آیـات دیگر است، یکی از پـایه های مهم و زنـده مبارزه علیه فساد، در جامعه اسلام بوده، که آن را باید

سرچشـمه مقاومت ها و منبع تحرکات و مبارزات ایجابی و سـلبی اهل حقّ با اهل باطل شمرد که مسلمان هیچ گاه کار اسلام و انقلاب آن را پایان یافته و تمام شده نخواهد دانست، و همواره به مضمون آیه کریمه:

«یُرِیدُونَ أَن یُطْفِئُوا نُورَ اللّه ِبِأَفْواهِهِمْ وَیَأْبَی اللّه ُإِلآّ أَن یُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ»؛(۱)

«کافران می خواهنـد نور خـدا را با گفتار جاهلانه خود خاموش کنند ولی خداوند نمی خواهد، مگر آنکه نور خود را به پایان برساند اگرچه کافران کراهت دارند».

تلاش های دشمنان و منافقان نقش بر آب و نور خدا در اتمام و گسترش خواهد بود.

انتظار جامعه شیعه

مسـلمانان عموما و شـیعیان خصوصا منتظرند که سراسـر گیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فراگیرد و آن رهبری که وعده ظهور او در قرآن و صدها احادیث معتبر وارد شده است، ظاهر شود و آیین توحیدی اسـلام را که در شـرق و غرب جهان وارد شده است، ظاهر کرده و گسترش دهد، و امت واحد، حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد تمام افراد بشـر را متّحد، هم صدا، هم قدم و به هم پیوسته سازد.

۱- سوره توبه، آیه ۳۲.

این عقیـده به ظهور مصلح منتظر، حضـرت مهـدی موعود چنان که در روایات به آن اشاره شده است شـیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صـدمات و لطماتی که بر هر دعوتی وارد می شد و آن را متلاشـی می کرد، پرورش داد و فکر شـیعه را که فکر خـالص اسـلامی است، و جـامعه شـیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت و تا امروز این فکر و این عقیـده و ایمان عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست.

بـا آن وضع جـان گزای حکومت بنی امیه و بنی عبـاس روبرو شـده بودنـد و تمام حیثیات و شؤون ظاهری و اجتماعی آنها الغا شـده، و از همه مشاغـل محروم، و در همه جـا مورد تعقیب و زیر نظر جاسوسـان حکومت قرار گرفته، و کمترین مجازات آنها زندان بود، تا مجازات های شدید از بریدن دست و پا و زبان و بینی، و شکنجه های غیر قابل تحمل دیگر.

آن شـیعیان، اگر منتظر و آینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حقّ و عدالت، و شـکست باطل و ستم نداشتند، با اینکه همه چیز را از دست رفته می دیدند، هرگز بر ایشان حال مقاومت باقی نمی ماند و همه حتی در دل شـکست خورده و تسلیم می گشتند و از دگرگون شـدن اوضـاع و عوض شـدن و ورق خوردن صـفحه تاریـخ ناامیـد می گردیدنـد و ریشه هر نهضت و حرکت و پایداری در آنها خشک می شد.

امّا پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله و علی علیه السـلام وعـده داده و قرآن مجیـد نیز بشارت داده است که این دین پایـدار می ماند و این راه بسته نمی شود و این نزاع

و نبرد حقّ و باطل، با غلبه ظاهری جباران تاریخ مانند یزید و ولید و زیاد و حجاج و هارون و دیگران پایان نمی پذیرد.

و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهادت امیرالمؤمنین و سید الشهدا علیه السلام تا امروز ریشه تمام حرکات و نهضت های شیعه و مسلمین علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حقّ و باطل تا پیروزی مطلق بوده است، که می بینیم همیشه از میان شکست ها، پیروزی هایی آشکار و در عین ذلّت ظاهری، پرتو و شعاع عزّت و سربلندی و آقایی نمودار شده و اراده ها و همت ها به حرکت و جنبش درمی آید و افراد بااراده و مصمم و متعهد وارد میدان می شوند؛ و هرچه دشمنان حقّ و عدالت، مسلمانان را می کشند و به زندان می اندازند و هرگونه شکنجه و عذابی را درباره آنها اجرا می نمایند و آنها را از اجرای قوانین اسلام و برقرار کردن شعائر دینی با زور و تطمیع باز می دارند و تعلیم و تربیتشان و مطبوعات و تبلیغات و تمام وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی را ضد اسلامی و منحرف کننده می سازند. در ایران، الجزایر، اندونزی، فیلیپین، اوگاندا، اتیوپی، فلسطین و نقاط دیگر باز هم مبارزه ادامه می یابد تا ملّت هایی مثل ایران، الجزایر و اندونزی آزاد می شوند.

این است فلسفه بزرگ اجتماعی انتظار ظهور. و این است یکی از اسرار غیبت حضرت صاحب الامر عجّل اللّه تعالی فرجه و از این جهت است که ثواب منتظرین مانند ثواب مجاهدین و بلکه شهیدان بدر و اُحد است.

و این است که از نظر یک فرد مسلمان در هر شرایط و اوضاع نامساعد و ناگواری که جلو بیاید، کار اسلام خاتمه یافته تلقی نمی شود و روز این دین به آخر نمی رسد.

و این است همان فلسفه ای که در ادیان گذشته نیز مایه امیدواری پیروان آنها و مشوّق آنان به استقامت و پایداری و مقاومت و جهاد بوده است. و در حقیقت، انتظار فلسفه محکم و استواری است که در تمام ادیان مورد توجّه بوده و به آن عقیده داشته اند و از سنن و نوامیس ثابتی است که همه ادیان آسمانی در بقای خود از آن مایه گرفته اند و همه در انتظار آینده عالی تر و بهتر بوده اند و ظهور اسلام، این دین جامعه، به تمام آنها نوید داده شد؛ تا وقتی خورشید جهان تاب اسلام طلوع کرد و عالم و تمام پیروان ادیان از انتظار آن بیرون آمدند، در اسلام نیز که آخرین رسالت ها و ادیان است، مسأله انتظار، این فلسفه بزرگ در ظهور مصلح و منجی آخرالزمان و ولیّ دوران حضرت مهدی علیه السلام که در بیت رسالت و از فرزندان علی و فاطمه و حسن و حسین و نهمین فرزند حسین است، خلاصه شد.

عامل بقا

بنابراین چنان که از بررسی های عمیق و دقیق در تاریخ و فلسفه ادیان و قرآن کریم و احادیث و روایات استفاده می شود فلسفه انتظار مانند یک عامل و ماده حیاتی مهم در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمین است.

دیدگاه وسیع

در ضمن، این انتظار است که دیدگاه وسیع و افق نظر بلند مسلمانان و مخصوصا شیعیان را نشان می دهد؛ در حالی که بسیاری از مردم و ملل دیگر انتظار می برند که بر ملل دیگر مسلط شده و آنها را استثمار نمایند.

و در حالی که هر یک از شرق و غرب در انتظار روزی هستند که حریفشان از پا درآید و جهان مسخّر هوی و هوسشان گردد.

و در هنگامی که کمپانی های بازرگانی و حکومت های زیر نفوذ آنها انتظار می کشند، دنیا بازار تجارت آنها شود و بشر در عالم اقتصاد برده آنها گردد.

و در وقتی که گروه های بسیاری در جهان، امروز بی هدف در کنار کاباره ها و سینماها و تماشاخانه ها صف کشیده و دقیقه شماری می کنند و در انتظارند که در این اماکن فساد به رویش باز شود و به این ترتیب، هستی خویش را تباه می کنند.

در این هنگام، مسلمان آگاه و روشن فکر و شیعه متعهد و مبارز، در انتظار روزی است که جهان به زیر پرچم حقّ و عدالت و توحید و حکومت جهانی اسلام و احکام خدا درآید و تمام بی عدالتی ها و نابرابری ها نابود گردد و این فاصله های پوچ از میان خلق خدا برداشته شود.

مسلمانان انتظار روزی را می کشند که فقر و بدبختی، و جهل

و نـادانی از سراسـر جهان ریشه کن گردد و بینش و بصـیرت جامعه، کامل و افراد صالـح و رشـید و دادگر، زمامـدار و مصادر امور باشند، و اختلافات جغرافیایی و ملی و دینی، و سیاست ها و رژیم ها و مسلک های باطل از بین برود.

این بینش و مقصـد و هـدف و انتظار مسـلمانان است که خیر و سـعادت عموم، عصـر آزادی، برابری همگان و آسایش و رفاه، علم و ترقی، و عدالت و نیک بختی را برای تمام افراد بشر خواهان است.

این انتظار، شـخص را متعهـد و مسؤول می سازد که برای تحقق هـدف های اسـلام و عملی شـدن برنامه های دین، بـدون هیچ یأس و ضـعف و سـستی و ناامیدی، شب و روز کوشـش نماید و فداکاری کند تا بلکه یک گام به سوی مقاصد متعالی اسـلام جلو برود.

این انتظار، شخص را محکم و مقاوم، بااراده، نفوذناپذیر، مستقل، شجاع و بلند همت می سازد.

این انتظـار، لفـظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمـل است، حرکت است، نهضت و مبـارزه و جهـاد است، صـبر و شـکیبایی و مقـاومت است.

نیمه شعبان

نیمه شـعبان، عید انتظار، عید نور، عید نهضت و آماده شدن برای جهاد بیشتر، مقاومت های سـخت تر؛ و جشن و چراغانی آن، اعلان نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجّه منتظران و نمایش شادمانی ها و زوال تاریکی ها در جامعه جهانی اسلام است.

کسی که منتظر است، باید به سوی آن رستاخیز عظیم و بی مانند قدم بردارد و آماده شود و از هر فرصتی بهره برداری نماید، و دین خـدا و احکام خدا و آنچه را که به صاحب وقت و ولیّ عصـر ارواحنا له الفداء انتساب دارد، از مال و جان و فرزند و مقام خود گرامی تر بدارد و برای حفظ و نگاه داری آن کوشاتر باشد، و باید جشن و چراغانی و تبلیغات و سخنرانی ها و مجالس و محافل نور، این انتظار حقیقی را در دل ها روشن تر سازد و بر نشاط و تعهّد و مقاومت جامعه بیفزاید.

کسـی که منتظر است، به معـانی بزرگی که از جشن و چراغـانی نیمه شـعبان در نظر است، التفات داشـته و هـدف و مقصـد را فراموش نمی نماید، و جشن و چراغانی را وسـیله سـرگرمی قرار نمی دهد، و به جای وظایف خطیر و مسؤولیت های مهمی که در برابر خدا و قرآن و شخص حضرت ولیّ عصر ارواح العالمین له الفداء و اسلام و تشیّع دارد، به مراسم خشک و خالی جشن و چراغانی اکتفا نمی کند، و از حقیقت و درسـی که از این مراسم باید گرفت غافل نخواهد ماند، تا خدای نخواسته دشمنان یا نادانان، این مراسم و بلکه اصل انتظار را عوضی تفسِر نمایند و آن را عامل سکوت و رکود و ترک امر به معروف بشمارند.

این جشن هـا و چراغـانی ها بایـد اعلان وفاداری به اسـلام و تصـمیم محکم به مقاومت در برابر نقشه های ضـد اسـلام، و ابراز علاقه به قرآن، و مطالبه حقوق اسلامی، و هم صدایی و اتفاق و اتّحاد باشد.

این مراسم که در نهایت خلوص صورت می گیرد، اعلام خواسته های حقیقی جامعه، مخالفت همگان با نظام های نامشروع، و موافقت آرای عموم با نظام خالص و صحیح اسلامی است، که باید همیشه و در تمام مواقع و فرصت ها ابراز شود.

وَالسَّلامُ عَلی نـامُوسِ اللّه ِ الاْءَکْبَرِ وَالْاءِمـام الثّـانِی عَشَرَ، أَبِ الْوَقْتِ وَمَوْلَی الزَّمـانِ، الَّذِی هُوَ لِلْحَقِّ أَمِینٌ وَلِلْخَلْقِ أَمـانٌ، مَوْلانـا وَسَیِّدِنا صاحِبِ الزَّمانِ، أَرْواحُ الْعالَمِینَ لَهُ الْفِداءُ وَعَجَّلَ اللّه ُ تَعالی فَرَجَهُ، وَجَعَلَنا مِنْ شِیعَتِهِ وَأَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ.

قم المشرفه، حرم الائمه علیهم السلام

لطف اللّه صافی گلپایگانی

۱۳۹۸ ه ق

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹